

با اینکه مطالعه حاضر حدود ۳۰ سال پیش صورت گرفته ولی به لحاظ اطلاعات باارزشی که در مورد اصلاحات ارضی در بردارد، نوشته ای جالب و آموزنده است. ای کاش مراکز متعدد تحقیقاتی ما هم اکنون دست به پژوهش تازه ای درباره روستای مورد بحث بزنند و تفاوت های حاصله را با جستجوی علل آنها در اختیار خوانندگان و علاقمندان بگذارند. مجله جهاد با کمال میل آمادگی دارد حاصل چنین تحقیقی را در صفحات خود منعکس نماید.

سردبیر

● دکتر سید رامین امینی نژاد

● نیکو کیلسترا

مرکز مطالعات انسان شناسی و جامعه شناسی

دانشگاه امستردام

عضوهیئت علمی دانشگاه پیام نور



انتظارات و واقعیت نوسازی

در یک روستای متعارف ایرانی^۱

مفهوم طبقه بندی نوعی روستاها (typicality) گرچه در انسان شناسی و علوم انسانی بسیار غیر قابل کنترل است، با این همه می توان مشابهت هایی را بین هر یک از دهها هزار روستای ایرانی پیدا نمود که کم و بیش نیم رخ کیفی تعدادی از متغیرهای موجود در آن را نشان میدهد.

اما اگر شخصی آگاهی و شناخت کافی از روستاهای ایرانی داشته باشد و قادر به برقراری چنین نیم رخ کیفی ای باشد. بهتر است ساختارهای اجتماعی و تغییرات اجتماعی خاص (ناشی از وقایع بیرونی) را مورد مطالعه قرار دهد.

تأکیدی بر تثبیت و استقرار تعدادی الگوی معین و ویژه نیست، اما سعی شده است که خصوصیات و عواملی که آنها را بوجود آورده روشن شود. مهمترین محدودیتی که در اینجا مدنظر بوده آن است که روستای مورد مطالعه در وهله نخست گندم کار بوده و در فلات ایران و حواشی کوهستانی آن که روستاها را از رطوبت نواحی ساحلی دریای خزر و جوامع نخل کار امتداد ساحل خلیج محروم می سازد، قرار دارد.

شرایط طبیعی و نظام زراعی قبلی روستای یونس آباد

روستای یونس آباد، که مطالعه میدانی آن در سال ۱۹۷۱ انجام شده،

شبهات بسیاری با نوع مرسوم روستای ایرانی که از طریق ادبیات مربوطه^۱ بررسی شده نشان میدهد. روستا در شرق استان فارس، در شهرستان استهبان واقع شده و در دشت نسبتاً حاصلخیزی در امتداد ساحل دریاچه بختگان، دور از جاده اصلی قرار دارد. بارش متوسط سالانه آن مقداری بالاتر از ۳۰۰ میلی متر بوده و در شیبهای پست تر کوههای جنوبی دشت، منبع آبی ایجاد می کند که توسط قنوات زهکشی می شود و به تعدادی چاه دائمی آبدهی می کند.

کشت دیمی غلات کاملاً امکان پذیر است و یک سوم زراعت آبی بازدهی دارد، البته امکان کشت زمستانی بدین طریق موجود نیست و در سالهای خشک، محصول کاملاً از بین می رود. بر این اساس زمینداران بزرگ و دهقانان توانگرتر ترجیح می دهند تا سرمایه های خود را جهت بهبود وضع قنوات و چاهها بکار اندازند. پس از اصلاحات ارضی دهه ۴۰ دهقانان خرده پا تا حدی به آزمون کشت دیم پرداختند، اما سرمایه گذاری بزرگ مقیاس در آنرا بسیار مخاطره آمیز یافتند. کارگران بی زمین یا خوش نشینان که تعدادشان بسیار زیاد است به این زمینها دسترسی ندارند. پیش از سال ۱۹۵۶ (۱۳۳۵)، که در آن سال کشت تریاک (خشخاش) بطور کامل ممنوع شد، اراضی زراعی کوچکی در زمینهای دیم به این محصول اختصاص یافته بود. بدین

شکل مشاهده می شود که توانمندی کشاورزی مهمی بی مصرف باقیمانده است.

زمینهای کشت آبی یونس آباد در حدود ۵۹۰ هکتار می باشد و به سه حوضه آبیاری (مزارع) تقسیم شده است. آب دو بخش از این مزارع از قنوات تأمین می شود و یک بخش دیگر از آب یک چاه بزرگ طبیعی سهم می برد. افراد هر مزرعه مجبورند به صورت تعاونی و همیاری در تقسیم آب برای آبیاری و حفاظت ابنیه مربوطه کوشا باشند، اما هر یک به طور جداگانه بر روی قطعه زراعی خود کار می کنند. شکل کلی مزارع، نوارهای نسبتاً باریک در امتداد کانال اصلی آبیاری است. زمینهای سرچشمه کانال از زمینهای پایین دست کانال آب بیشتری بدست می آورند. بنابراین مرسوم است که دهقانان زمینهای مختلفی در بخشهای مختلف مزارع داشته باشند. اما حقوق مالکیت زمین، نه بر حسب مساحت زمین بلکه بر اساس میزان ساعت آب، طی یک چرخه آبیاری سنجیده می شود. این چرخه از ۹ تا ۱۴ روز در سه مزرعه روستا تغییر می کند.

زمینهای کشت آبی معمولاً بصورت چرخه دو ساله به زیر کشت می روند، غلات (بخصوص گندم) از اوایل مهر تا اوایل خرداد کشت شده و دوره آیش آن از اوایل خرداد الی اوایل فروردین می باشد. دوره کشت پنبه نیز از اوایل فروردین تا اواسط آبان و آیش آن از اوایل آبان تا اوایل مهر به طول می انجامد. چون آب مورد نیاز دو محصول گندم و پنبه متفاوت است، ترتیبات و نظام دوره ای پیچیده ای در مورد تقسیم آب مزارع این دو محصول وجود دارد، اما در این فرصت محدود مجالی برای طرح این پیچیدگیهای فنی وجود ندارد.

توانمندی غنی دشت خیز^۲، و لزوم سرمایه گذاری سنگین در قنوات برای ایجاد و تداوم زراعتی سودآور، موجب تسلط اربابان خارج از روستا در گذشته گردیده است. از ۱۸۳۳ (۱۲۱۲) به این سو، سران قبایل کوچ رو عرب که از این منطقه عبور می کردند، نظام آبیاری این دشت را به شکلی که امروز می بینیم سازماندهی کردند. نظام

جدید باعث گسترش اراضی زیر کشت نسبت به گذشته گردید، البته جای گسترش زراعت آبی چه در گذشته و چه در امروز هنوز وجود دارد. چند سال بعد، اراضی بایر روستا به زیر کشت رفت و سه خاندان از نواحی دیگر دشت بر مبنای نظام سهم بری زراعی در این روستا سکنی داده شدند. به جز چند تازه وارد، همه ساکنین کنونی، اصل خود را به این سه خاندان می رسانند و از طریق ازدواجهای متعدد بین آنها و سیاستهای تفرقه افکنانه اربابان، مدتهاست که این خاندان یا خانواده ها کارایی خود را به عنوان گروه اجتماعی تأثیر گذار در روابط اجتماعی از دست داده اند. بر اساس مقررات نظام سهم بری، ارباب، زمین، آب، بذر و صاحب نسق یا اجاره دار، نیروی کار و گاوکار تأمین می نماید. صاحب نسق یک چهارم برداشت محصولاتی مانند غلات و یک سوم

معمولاً صاحب نسقی که نتواند به مدت طولانی دامی برای شخم زدن فراهم کند، نسق زراعی خود را از دست می دهد. بدین شکل به مرور زمان طبقه بزرگ کارگران زراعی بی زمین بوجود آمده است.

محصولاتی مانند پنبه را که به نیروی کار بیشتری احتیاج دارد، دریافت می‌دارد. حق تصاحب نسق غالباً به یکی از پسران نسق دار قبلی تعلق می‌گیرد و مابین فرزندان او تقسیم نمی‌شود، زیرا اربابان علاقه‌ای به خرد شدن بیش از حد زمینهایشان ندارند.

معمولاً صاحب نسقی که نتواند به مدت طولانی دامی برای شخم زدن فراهم کند، نسق زراعی خود را از دست می‌دهد. بدین شکل به مرور زمان طبقه بزرگ کارگران زراعی بی زمین بوجود آمده است. در گذشته‌های بسیار دور، اربابان بهترین چراگاههای اطراف روستا را به گله‌های بز و گوسفند خود اختصاص داده بودند. بدین خاطر روستائینشان بالا جبار گله‌های خود را به مراتب دور دست در ارتفاعات می‌فرستادند. اما لا اقل پس از جنگ جهانی دوم، اربابان گله‌های خود

را از این مراتع خارج کرده و آنها را برای استفاده رایگان ساکنان روستا اختصاص داده‌اند. ۳۱ سال پیش، ۶۰ رأس گاو، حدود ۶۰ الاغ و حدود ۶۰۰ گوسفند و ۲۲۰۰ بز و بزغاله در روستا وجود داشت. در سالهای پرحاصل، تعداد گوسفند و بز اندکی افزایش می‌یابد. کدخدای پدرش و برادر جوانترش صاحب بیش از هزار دام بوده و شش گله دار عمده روستا نیز در هر گله خود بیش از ۱۰۰ رأس دام داشتند. سایر دامها، که عمدتاً بز و بزغاله می‌باشند به تعداد کمتری، تقریباً توسط بقیه خانوارهای ساکن روستا تملک شده بودند. پیش از اصلاحات ارضی تقریباً نیمی از درآمد کل روستا از پرورش دام بدست می‌آمد که پس از اصلاحات به کمتر از یک سوم تقلیل یافت.

اصلاحات ارضی و اثرات آن

یک دهه پیش از اصلاحات ارضی یعنی در اوایل دهه ۱۳۴۰، ارضی روستای یونس آباد در تملک سه خانوار ثروتمند اصطهباناتی بود، که حقوق آب و زمین را به شکلی پیچیده بین خود و در میان رعایا تقسیم کرده بودند. بر اثر اصلاحات ارضی مقدار معینی زمین و آب روستا مستقیماً به رعایای پیشین انتقال داده شد. اربابان سابق توانستند به بهره‌برداری از بقیه آنها ادامه دهند، اما همچنان حق فروش ارضی را به قیمتی مناسب به سازمان اصلاحات ارضی داشتند، که پس از آن، سازمان آنها را بین رعایای پیشین تقسیم نماید. یکی از خانواده‌های صاحب ملک این شق قضیه را انتخاب کرد. خانواده دوم بخاطر کمبود پول و اشکار شدن

دشمنی رعایای سابق پس از اصلاحات ارضی، قسمت اعظم زمین‌هایش را به طور خصوصی به کدخدای ثروتمند آبادی و برادر جوانش فروخت، وضعیت کدخدا و وابستگانش در ادامه تشریح خواهد شد. یکی از خانواده‌ها سهم قابل ملاحظه‌ای را در یک مزرعه حفظ کرده و آنرا توسط دو کارگر روزمزد به زیر کشت برد. خانواده سوم زمیندار سهم خود را به کدخدای یونس آباد و برادرش و همچنین بخشی دیگر را به کدخدای روستای مجاور اجاره داد. رعایائی که از سازمان اصلاحات ارضی حقوق آب و زمین دریافت کرده بودند، غرامت پرداخت شده به اربابان سابق را بدون سود و در اقساط دهساله باز پرداخت نمودند.

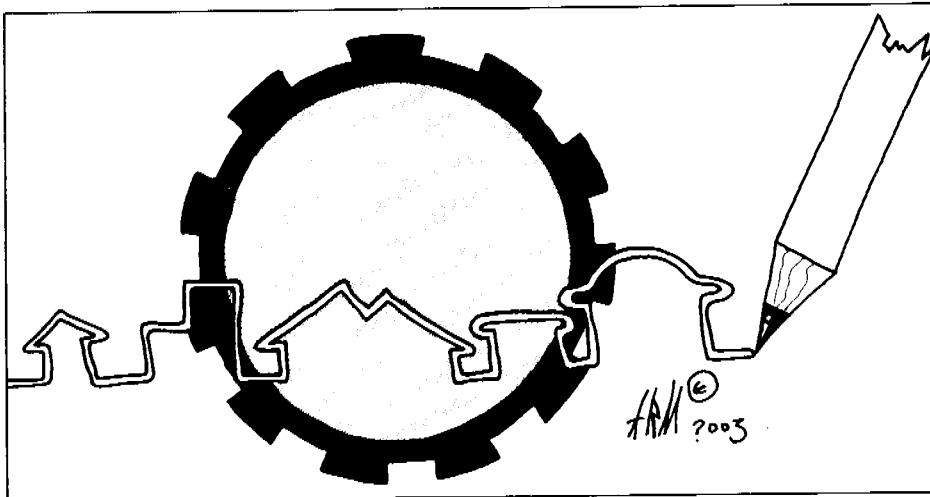
پس از اصلاحات ارضی ۴۵ خانوار از ۱۰۱ خانوار (کل جمعیت ۴۸۳ نفر)

صاحب بخشی از زمین شدند که سابقاً بعنوان رعیت روی آن کار می‌کردند. اصلاحات ارضی هیچ ثمره‌ای برای کارگران بی زمین به بار نیاورد.

کدخدا و نزدیکترین بستگان (پدر پیر و برادر جوانترش) طی اصلاحات و پس از آن، موقعیت خود را به بهترین وجه بهبود بخشیدند. خانواده او مقام کدخدایی را برای نسلهای متوالی (احتمالاً از آغاز پیدایش روستا) حفظ کرده بود و خانواده‌های مالک زمین نیز همواره سعی می‌کردند همکاری صمیمانه کدخدا را با هدیه کردن سهم

سخت‌و‌تمندانه‌ای از زمین و آب به او و نزدیکترین بستگانش تضمین نمایند. بنابراین طی دوره زمانی‌ای در حدود یک قرن خانواده یونسی توانست ذخایر مالی قابل ملاحظه‌ای را جمع‌آوری نماید. این ذخایر مالی پیش از اصلاحات ارضی در شکل گله‌های گوسفند و بز سرمایه‌گذاری شده بودند. طی عملیات اصلاحات ارضی، خانواده یونسی تنها واسطه اغلب تماس‌های روستائیان با اداره اصلاحات ارضی بود. با وجود آنکه اغلب کارمندان اصلاحات ارضی، کارمندان درستکار و بی‌غل و غشی بودند، مسائل پیچیده در تقسیم مجدد زمین و

یک دهه پیش از اصلاحات ارضی یعنی در اوایل دهه ۱۳۴۰، ارضی روستای یونس آباد در تملک سه خانوار ثروتمند اصطهباناتی بود، که حقوق آب و زمین را به شکلی پیچیده بین خود و در میان رعایا تقسیم کرده بودند.



آب غالباً به طریقی حل می‌شد که منافع خاندان یونسی به خطر نیفتند. پس از اصلاحات ارضی که قسمت اعظم حقوق زمین و آبی که هنوز در دست اربابان سابق باقی مانده بود به بازار فروش یا اجاره راه یافت، تنها خانواده‌ای که توانایی بهره‌جویی از این بازار را داشت خانواده یونسی بود. آنها همچنین در دو پمپ دیزل که آب اضافی برای سهم زمین‌های آن‌ها تأمین می‌نماید سرمایه‌گذاری کرده و یک تراکتور نیز برای استفاده روستائینان اجاره کردند. سایر خانواده‌های پرسابقه کدخدای ناحیه نیز دارای همین ویژگیها و فعالیت می‌باشند و در مقام مقایسه خانواده یونسی در میان چهار روستای دشت خیر، از نظر ثروت مقام سوم را دارا هستند.

مجادلات بسیاری در مورد اینکه آیا واقعاً اصلاحات ارضی منفعت

اصلاحات ارضی نفعی نبرده‌اند، اما همه رعایای سابق، که اکنون مالک زمین گردیده‌اند، منتفع شده‌اند. بخشی از منافع، بیشتر بخاطر شرایط مساعد انتقال زمین به آنها بود و علت دیگر، انگیزه‌ای بود که در آنها برانگیخت تا در بهبود زراعتشان بکوشند. اما یونسی‌ها که همواره ثروتمندترین خانواده روستا به شمار می‌آمدند، از همه نظر از اصلاحات منتفع گردیدند. چون توانستند با قیمتهای مناسب قسمت اعظم زمینهایی که اربابان بر جای گذاشتند خریداری کرده یا اجاره نمایند. بنابراین نتیجه اصلاحات ارضی گسترش شدید عدم تعادل اجتماعی در روستا بود. البته اختلافات طبقاتی فرایندی است که لااقل از دو نسل به این سو وجود داشته است (به احتمال زیاد پیش از آن افرادی با عنوان کارگر بی‌زمین وجود داشته‌اند) بطوریکه هم اکنون نیز

افراد فقیر و غنی در موارد بسیاری با یکدیگر دارای ارتباط خویشاوندی هستند. زارعین خرده پا با قدری بدبینی به ثروت جدید یونسی‌ها می‌نگرند. اما واکنش اکثر کارگران بی‌زمین نسبت به برنامه توسعه روستایی، انتقادی صریح و بی‌علاقگی و گاه تنفر می‌باشد. آنها دریافته‌اند که افزایش مکانیزاسیون کشاورزی همین فرصت اشتغال و درآمد اندک را نیز از آنها خواهد ربود.

نقش رهبری سیاسی روستا

موقعیت رهبران سیاسی در این روستا کاملاً به صورت متمرکز می‌باشد. خاندان یونسی بسیار ثروتمند است. تأثیر و مداخله مأموران دولتی نیز در روستای یونسی آباد زیاد بوده است. اغلب کارگران محلی، یونسی‌ها را به چشم کارآفرینان اصلی روستا در زمان حال و آینده می‌نگرند، بر این اساس به حمایتی نه چندان از سر ارادت از سیاستهای یونسی‌ها وادار می‌شوند. اغلب زارعین خرده پا وابستگی مستقیمی به یونسی‌ها ندارند و تا حدی به ثروت جدید آن‌ها بدگمان هستند. اما برای آن‌ها نیز یونسی‌ها بخاطر ایفای نقش واسطه با سازمانهای دولتی در اصطلاحات اهمیت دارند. در یونس آباد، شکل نهادینه شده رهبری عملیات زراعی وجود ندارد. در مزارع یونس آباد، هر زارع به کار خویش مشغول است و در مراودات بین زارعان مجاور با یکدیگر هیچگونه حالت رهبری رسمی دیده نمی‌شود. اختلافات گاهگاهی در مورد آب توسط کدخدا و گاهی اوقات توسط ژاندارمهای روستای مجاور حل و فصل می‌شود. ژاندارمها وقتی که مشاجرات به اوج خود می‌رسد فراخوانده می‌شوند. در اکثر

خاصی را بویژه برای دهقانانی که مقداری زمین در اثر آن دریافت کرده‌اند داشته، در جریان است. مخالفان رژیم شاه بویژه در سالهای آخر آن حکومت غالباً احتجاج می‌کنند که نفع خاصی بدست نیامده است. کشاورزی ایران در مناطق مختلف تفاوتهای زیادی را نشان می‌دهد و نویسنده ادعا نمی‌کند که بر این تفاوتهای منطقه‌ای اشراف دارد. اما نگارنده درآمد خالص بدست آمده از فعالیتهای کشاورزی سه طبقه اجتماعی روستا شامل کدخدا و پدر و برادرش، ۴۲ خانواده رعایای سابق که

مقداری آب و زمین طی اصلاحات بدست آوردند و ۵۶ خانواده کارگر بی‌زمین که نه از اصلاحات ارضی و نه از وضعیت قبل و بعد از آن نفعی عایدشان نشد، بدقت محاسبه کرده است (جدول ۱). در این محاسبه تغییرات سالانه حاصلخیزی زمین و قیمتها نادیده انگاشته شده، اما تقسیم درآمد بین سه طبقه ذکر شده در بالا تا حد امکان صحیح می‌باشد. درآمد بر حسب ریال در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) محاسبه شده است.

همینطور که ملاحظه می‌شود، کارگران بی‌زمین به هیچ وجه از

**در اکثر روستاهای ایران
پس از اصلاحات ارضی، بنظر
می‌رسد در خصوص حفاظت از
قنوات، غفلت و کوتاهی می‌شود،
زیرا غالباً کسی اقتدار کافی
برای وادار کردن روستائیان
به کار در آن‌ها را ندارد.**



جدول ۱- میزان و درصد تقسیم درآمد در روستای یونس آباد

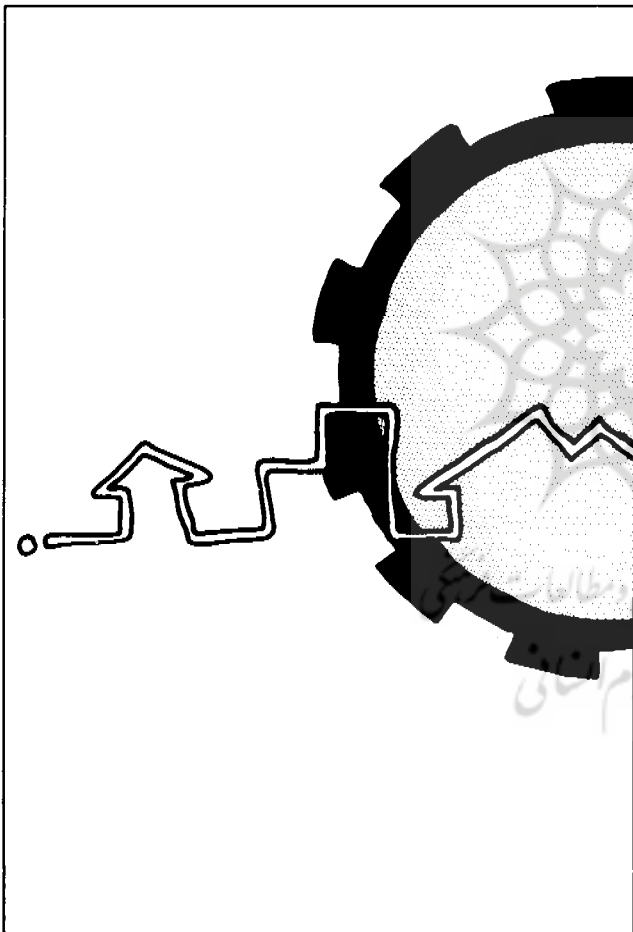
| طبقه اجتماعی | پیش از اصلاحات ریال - درصد | پس از اصلاحات ریال - درصد | افزایش به درصد |
|--------------------------------|-------------------------------|------------------------------|----------------|
| رهبران روستا (۳ خانواده) | ۲۵-۱۰۵۵۹۸۰ | ۳۹-۲۶۱۳۴۲۲ | ۱۴۷ |
| زارعین خرده پا (۴۲ خانوار) | ۴۸-۲۰۲۵۹۹۹ | ۴۴-۲۹۵۳۵۳۵ | ۴۶ |
| کارگران بی‌زمین (۵۶ خانوار) | ۲۷-۱۱۲۶۸۶۰ | ۱۷-۱۱۷۷۴۱۰ | ۴ |
| جمع کل | ۱۰۰-۴۲۰۸۸۳۹ | ۱۰۰-۶۷۴۴۲۶۷ | ۶۰ |

روستاهای ایران پس از اصلاحات ارضی، بنظر می‌رسد در خصوص حفاظت از قنات، غفلت و کوتاهی می‌شود، زیرا غالباً کسی اقتدار کافی برای وادار کردن روستائیان به کار در آن‌ها را ندارد. در یونس آباد، برادران یونسی در هر دو مزرعه‌ای که به آب قنات وابستگی دارند، دارای منافع می‌باشند، بنابراین زارعین را تا حدی به فعالیتهای حفاظتی واداشته‌اند که مسلماً شدت آن نسبت به گذشته کمتر است اما برای تامین نیازهای آبی این دو مزرعه کافی بنظر می‌رسد. در روستای یونس آباد، نمی‌توان تمایزی بین شورای ده و خانه انصاف قائل شد. اعضای هر دو نهاد در زمانهای مختلف گرد هم جمع شده و بدنه یک روابط اجتماعی را تشکیل می‌دهند. این بدنه از کدخدا یونسی و برادرش، پنج نفر از وابستگان یونسی و فقط سه نفر افراد غیر مرتبط با کدخدا که تا حدی بعنوان رهبر گروهی دارای تاثیر می‌باشند، تشکیل شده است. همه آنها صاحب زمین می‌باشند. گردهمایی‌ها کاملاً در تسلط یونسی‌ها می‌باشد، از دیگران انتظار می‌رود که طرحها را تبلیغ کرده و منتشر نمایند و تصمیمات را در شبکه اجتماعی شان به هر طریق ممکن به اجرا در آورند. هیچ موردی وجود نداشته که یونسی‌ها مورد مخالفت جدی قرار گیرند. مسئله اساسی آن‌ها بسیج نیروی کافی برای وقایع اجتماعی مختلفی است که مأموران حکومتی برای ترتیب دادنشان به شورا مراجعه می‌کنند.

روال فعالیتهای عمران روستایی

در نظام اداری ایران در زمان تحقیق، کارمندان در سطح شهرستان کارکردی واسطه‌ای داشته‌اند و هر یک از وزارتخانه‌های فنی کشور دارای شعبه اداری کوچک در مرکز شهرستان بوده و فرماندار که نمایندگی وزارت کشور را به عهده دارد هیچگونه حاکمیت مستقیمی بر آن‌ها ندارد، بلکه فرض شده است که فعالیتهای آن‌ها را هماهنگ می‌سازد. اداره اصلاحات ارضی کاملاً مستقل از این مجموعه عمل می‌کرده است. در این منطقه شعبه اداری آن در نیریز قرار داشت. بودجه منظم همه این دستگاههای اداری کفاف فعالیت روزمره آنها می‌نمود. اگر روستائیان طرحی را به آنها برای نوسازی روستایی ارائه کرده و پرداخت ۲۵ الی ۵۰ درصد هزینه را تقبل می‌نمودند، سازمان فنی مربوطه پس از تایید طرح، درخواستی به سازمان استانی خود برای ارائه کمک مالی می‌فرستاد. فرماندار نیز نامه‌ای به استاندار برای جلب حمایت وی در مورد درخواست ارسال می‌داشت. این درخواستها به ندرت بطور رسمی رد می‌شدند، بلکه بارها دیده شده که اصولاً پاسخی به آنها داده نمی‌شد و حتی پاسخ مساعد به طرحها نیز بسیار بطول می‌انجامید. روسای دستگاههای اجرایی در مرکز شهرستان کوچک و پرت افتاده‌ای مانند اصطهبانات غالباً افراد نسبتاً جوانی بودند که در اوآن ریاست خود بوده و مشتاق‌اند که وضعیت خود را بهبود بخشیده و در شهری بزرگتر صاحب مقام گردند. آنها برای ارتقای مقام خود می‌بایست توانایی ارائه تعدادی کارهای عمرانی در شهرستان محل خدمت خود به مقام مافوق را دارا باشند، همچنین می‌بایست تظاهرات ساکنین شهرستان در وفاداری به رژیم را در معرض نمایش بگذارند. چند تن از این جوانان که کارمندان نسبتاً آموزش دیده‌ای بودند، در واقع نسبت به رژیم شاه کاملاً موضع انتقادی داشتند.

بنابراین اغلب این مأموران جوان و جاه طلب همواره رهبران روستایی را وادار به ارائه طرح‌های جدید برای نوسازی روستاهایشان می‌کردند. برای مثال احداث روستای جدیدی در خارج از قلعه (۴) قدیمی یونس آباد (که در حوالی سال ۱۹۷۱ ظرف ۲ سال و با وام ۳۲۰۰۰۰۰ ریالی بانک تعاون انجام شد) برای آنها نمونه بسیار جالب و مطلوبی بود. بنابراین به حمایت کامل یونسی‌ها پرداختند. در این مورد خاص به نظر می‌رسد تقریباً همه اهالی روستا نیز با این پروژه موافق باشند. اما در مورد طرحهای تجملی که برخی مأموران برای مشارکت در آنها از مردم یاری می‌خواستند، تمایل چندانی نشان نمی‌دادند. همه مردم از ساخته شدن مدرسه جدید یا احداث شبکه آب لوله‌کشی خوشحال بودند. اهالی علاقه مند ساختن یک مسجد در روستا بودند اما کمک مالی برای آن موجود نبود. اما احداث سالن گردهمایی روستایی که یونسی‌ها ترتیب داده بودند تا با کارمندان اصلاحات ارضی مصالحه نمایند، از نظر مردم تجملی بی‌فایده شمرده می‌شد.



در این میان فعالیت سپاهیان ترویج و آبادانی (۵) نیز تا حدی قابل توجه بوده است. اما به غیر از فعالیتهای سبزیکاری کوچک مقیاس، اغلب طرحهایی که مردم را به اجرای آن تشویق می‌کردند طرحهای کاملاً پرستیژی مانند نصب علائم نام خیابانهای روستا، کشت گیاهان همیشه سبز بارشد سریع در امتداد راهی که به دهکده جدید می‌رسد و یا ساخت یادمان سیمانی کوچک انقلاب شاه و مردم بود. یونسی‌ها نیز با پشتکار زیاد درگیر نوسازی روستا بودند و به دنبال طرحهایی برای

ایجاد یک در مانگه بودند و حتی ساختمان یک دبیرستان نیز آغاز شد. اما در همان حال روستائیان را به شدت به پرداخت پول برای انجام چند طرح تجملی رسمی و همچنین متابعت از کارکردهای اجتماعی دولتی

غیرمفید راه بیابند تا بالاخره به آنچه نیاز دارند برسند. اما هیچ راهی برای وادار کردن رده‌های بالاتر دیوانسالاری دولتی به کاری وجود نداشت. یونسی‌ها واقعاً مشتاق بودند که در تماس‌های رسمی خود در اصطهبانات طرحهای جدید عمرانی را به مقامات شهرستان ارائه کنند و کارمندان ارشد نیز خواهان آن بودند که برای کسب کمک مالی از مافوقهای خود درخواست بفرستند، اما این کارمندان شهرستانی قدرت چندانی برای تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیری یا عدم تصمیم‌گیری مقامات مافوق خود نداشتند. برنامه‌ریزی نامناسب و سازماندهی ناکارای سطوح بالاتر دیوانسالاری اداری در جهت انجام طرحهای رفاه عمومی، رژیم پهلوی را حتی در نواحی روستایی که سیاستهای سرکوبگرانه رژیم در آنها کمتر اعمال می‌شد، بی‌آبرو ساخته بود. اصلاحات ارضی و گسترش خدمات متنوع دولتی در نواحی روستایی انتظارات جدیدی را برانگیخته بود، اما حتی رهبران روستایی که از سیاستهای دولت نفع بسیاری برده بودند نیز غالباً از رژیم قطع امید کرده بودند زیرا دولت در حالیکه می‌توانست فعالیت بیشتری داشته باشد از آن استنکاف می‌کرد. این امر حتی در مورد زارعین خرده‌پایی که در آغاز از اصلاحات ارضی نفع برده بودند و از آن رضایت داشتند نیز صدق می‌کرد، زیرا بتدریج در می‌یافتند که درآمد و شرایط زندگی آن‌ها نسبت به شهرنشینان بیش از پیش عقب مانده است. در عین حال شایعاتی در مورد طرحهای دولتی برای توسعه کشت و صنعت‌ها و تعاونی‌های روستایی دولتی وجود داشت که آنها را از دست دادن املاک‌شان هراسان می‌ساخت. کار اساسی برای ۲۰ الی ۵۰ درصد کارگران بی‌زمین در روستاها انجام نشده بود و بنابراین آنها بتدریج به صورت کارگران ناراضی و بی‌ریشه به شهرها مهاجرت می‌کردند.

نتیجه‌گیری کلی

یونس آباد به نوع مرسوم روستای ایران شباهت بسیاری دارد، مشخصه‌های آن وابستگی به کشت آبی و همچنین تسلط مالکین غایب از روستا در گذشته می‌باشد. بخاطر حاصلخیزی اراضی و فراوانی نسبی زمین‌های قابل آبیاری، شاید بتوان روستا را بالاتر از حد متوسط روستاهای ایران ارزیابی نمود. بنابراین امکانات توسعه کشاورزی بیشتری به این روستا اعطا شده و این امر در تضاد با وضع روستاهایی است که زارعین خرده پای صاحب ملک آنها به زحمت می‌توانند یک زندگی بخور و نمیر را تداوم بخشیده و توانایی اختصاص پولی را برای فعالیتهای نوسازی روستای خود ندارند. طی سالیان متمادی عدم تعادل اجتماعی با افزایش تدریجی دارایی‌های خاندان یونسی نضج گرفت. از سوی دیگر با افزایش رشد شدید جمعیتی، تعداد بیشتری از ساکنین روستا از حقوق تملک زمین محروم گردیدند. عدم تعادل اجتماعی و افزایش قدرت سیاسی خاندان یونسی پس از اصلاحات ارضی باز هم بشدت افزایش یافت. این وضع به اختلافات و نزاعهای اجتماعی منجر می‌گردد. اما در زمان تحقیق ساختار قدرت بقدر کافی قوی مانده بود تا به حد کفایت، روستائیان را وادار به همکاری در نوسازی روستایی نماید. در این روستا مباشر نیز با عملکرد هدایت فعالیتهای کشاورزی

پس از اصلاحات ارضی ۴۵ خانوار از ۱۰۱ خانوار (کل جمعیت ۴۸۳ نفر) صاحب بخشی از زمین شدند که سابقاً بعنوان رعیت روی آن کار می‌کردند. اصلاحات ارضی هیچ ثمره‌ای برای کارگران بی‌زمین به بار نیاورد. کدخدا و نزدیکترین بستگان (پدر پیر و برادر جوانترش) طی اصلاحات و پس از آن، موقعیت خود را به بهترین وجه بهبود بخشیدند. خانواده او مقام کدخدایی را برای نسلهای متوالی (احتمالاً از آغاز پیدایش روستا) حفظ کرده بود و خانواده‌های مالک زمین نیز همواره سعی می‌کردند همکاری صمیمانه کدخدا را با هدیه کردن سهم سخاوتمندانه‌ای از زمین و آب به او و نزدیکترین بستگانش تضمین نمایند. بنابراین طی دوره زمانی‌ای در حدود یک قرن خانواده یونسی توانست ذخایر مالی قابل ملاحظه‌ای را جمع‌آوری نماید.



و اداری وادار می‌ساختند. برای مثال در تعطیلات رسمی ملی تعدادی از روستائیان مجبور به حضور در اصطهبانات می‌شدند، تا در تظاهرات خودجوش! وفاداری به رژیم شرکت جویند. در چنین فعالیتهایی کارگران بی‌زمین به آسانی فراخوانده می‌شدند. اگر یکی از آنها برای اینکار به شهر نمی‌رفت، مشخص نبود باز هم خانواده یونسی به او کاری ارجاع نماید. زارعین خرده‌پایی که خواهان کمک مالی از دستگاههای دولتی بودند می‌گفتند که می‌بایست تا حدی با کارهای

تقسیم زمین بین رعایا و اربابان پیشین در واقع یکنوع مصالحه سیاسی را تداعی می نمود. حکومت شاه نمی خواست اصلاحات ارضی به خلع ید کامل اربابان بیانجامد. بر عکس او قصد داشت، یک طبقه بورژوازی روستایی آرام و نیکخو را خلق کند که حامی رژیم در سطح روستاها باشند.



وجود داشت و این توانایی را نیز داشت که به حساب ارباب، بین مردم روستا عطایایی را نیز توزیع نماید، در حالیکه کدخدای فردی با قدرت محدود بود که مسئولیت برخی فعالیتهای نامحبوب مانند کمک به اعزام سربازان به خدمت نظامی را بر عهده داشت. پس از اصلاحات، نقش مباشر یا از بین رفت و یا کم رنگ گردید و روستا با کدخدایی ضعیف و غالباً نامحبوب بر جای ماند. این کدخدایان غالباً فاقد توانایی رهبری موثر فعالیتهای کشاورزی و عمران روستایی بوده در عین حال عدم تعادل‌های اجتماعی از بروز حکومت محلی مؤثری با هیئتی دموکراتیک جلوگیری نمود.

پس از انقلاب اسلامی، هوگلوند (Hooglund) قضاوت‌هایی را در مورد سیاستهای توسعه کشاورزان ایران از اصلاحات ارضی به بعد ارائه داده است (۶) این انتقادات بطور کل صحیح می باشند، اما تغییرات بسیار وسیع جغرافیایی و اجتماعی-اقتصادی که در روستاهای ایران بسیار قابل لمس هستند را نادیده گرفته است. در بسیاری از روستاها و البته نه در همه آنها، اصلاحات ارضی فی نفسه شروعی نویدبخش به شمار می آمد. رعایای پیشین تحت شرایطی نسبتاً مساعد به حقوق ملکی و آبی دست می یافتند، اکثر روستائیان کاملاً توانایی سازماندهی امور خود را دارا بوده و دولت ایران نیز قاعدتاً دارای هیئت‌های کارآزموده و با انگیزه‌ای برای معرفی مرحله نخست کارهای عمرانی توسط کارمندان جوان تعلیم دیده بود. اما این ادامه ماجرای توسعه روستایی ایران بود که فاجعه آمیز گردید. همواره بودجه کافی برای فعالیتهای عمران روستایی تأمین نمی گردید. دیوانسالاری دولتی بعلت تمرکزگرایی شدید انگیزه‌ای برای فعالیتهای محلی فراهم نمی نمود و چنان در سطوح بالا ناکارا بود که رهبری مرکزی مؤثری را

اعمال نمی نمود. برنامه ریزی مرکزی بخاطر انقطاع آن با سطوح پایین تر، نارسا و غیر واقعی باقی ماند. البته باید دانست که ایران تنها کشوری نیست که به این مسائل مبتلا بوده است.

باید دانست که تقسیم زمین بین رعایا و اربابان پیشین در واقع یکنوع مصالحه سیاسی را تداعی می نمود. حکومت شاه نمی خواست اصلاحات ارضی به خلع ید کامل اربابان بیانجامد. بر عکس او قصد داشت، یک طبقه بورژوازی روستایی آرام و نیکخو را خلق کند که حامی رژیم در سطح روستاها باشند. دولتمردان ایرانی، یکبار دیگر در تبعیت از اسلوب بین المللی، به جای آنکه از انقلابات شهری بترسند، از حرکت‌های چریکی روستایی که در دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ (دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ه.ش) در جریان بود واهمه داشتند. در عمل طبقه جدید بورژوازی روستایی که از نظر سیاسی محافظه کار بود بوجود آمد اما انتظارات این طبقه بر اثر سیاستهای زراعی و در برخی موارد همچنین بخاطر اقتدارگرانی بی ظرافت و بدون انعطاف نظام سیاسی برآورده نشد. زیرا مشارکت آنها در حیات سیاسی ملی و منطقه‌ای نادیده گرفته شد. با این همه رهبران روستایی انقلابی نگریدند، اما بر ضد انقلاب شهری‌ای که بالاخره بوقوع پیوست و در آن مهاجران روستایی به ایفای نقش پرداختند، نیز موضعی اتخاذ نکردند. قیام مذهبی سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۲) به آسانی سرکوب شد، اما امکان توقف قیامی مشابه به آن در ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) میسر نگردید. یکی از تفاوت‌های اساسی بین این دو قیام حضور میلیون‌ها نفر از مهاجران تازه وارد در شهرها که بر اثر سیاستهای زراعی از نواحی روستایی رانده شده بودند، بود.

یادداشتها

1-Kielstra, N, Ecology and Community- pp. 189-310

۲- برای نمونه رجوع کنید به:

Graham-The Illusion of Power- (St.Martin's Press, New York, 1979) and F.Halliday-Iran: Dictatorship and development-(Penguin Books-Harmondsworth, 1979

3-See E.J.Hooglund-Land and Revolution in Iran, 1960-1980-(University of Texas Press, Austin, 1982)

۴- در مورد قلعه مراجعه کنید به:

Kielstra, N, Ecology and Community. pp.5 - 194.

۵- گروه‌های عمران روستایی (سپاه ترویج و آبادانی) یکی از خدمات دولتی بود که از طریق آن فارغ‌التحصیلان دبیرستانها و دانشگاهها برای فعالیتهای عمرانی طی دوره نظام وظیفه به روستاها فرستاده می شدند.

6-Hooglund- Land and Revolution in Iran.

پی نوشتها:

۱- اصل مطول‌تر این مقاله در مجموعه مقالاتی با عنوان روستای خاورمیانه در سال ۱۹۸۷ توسط انتشارات کروملم آمریکا به چاپ رسیده است. در این ترجمه بخش اصلی و مهم این مقاله انتخاب و تلخیص شده است.

2- Khir plain